

گفت‌وگویی صبا با عوامل نمایش و رانام تهمینه سهراب کرد

خوانشی متفاوت از محبوب‌ترین داستان شاهنامه

حسین تفنگدار:

روح زنانه نیمی از روح جهان است

پرداخت و رویکردی متفاوت به یکی از محبوب‌ترین داستان‌های شاهنامه داشته‌اید از دلایل چنین پرداختی به این اثر بگویید.

پس از پایان نگارش می‌هراسم از اینکه مردم چگونه فکر کنند و اینکه آیا طرفداران متعصب شاهنامه با من برخورد تلخی خواهند کرد یا نه! ولی این اتفاق نیفتاد. البته منظورم کسانی هستند که رشته‌شان ادبیات فارسی بوده و شاهنامه را خوانده‌اند. من در این اثر همان برخوردی را مثلاً با رستم کرده‌ام که به نوعی فردوسی کرده است. خود فردوسی در قصه رستم و سهراب وقتی می‌گوید: «یکی داستان است پر آب چشم/ دل نازک از رستم آید به خشم» اشاره می‌کند که پس از شنیدن این داستان مخاطب خشمگین خواهد شد. من مدعی نیستم

که داستان را خیلی تغییر داده‌ام و از نظر برخورد مفهومی همان برخوردی را دارم که فردوسی دارد و قهرمان داستانش رستم را که آنچنان در قصه‌های دیگر بزرگ کرده و منزلت بخشیده است، در قصه رستم و سهراب چنین برخورد عجیبی با او می‌کند. جدای از آن من فکر کردم که اگر فردوسی امروز زنده بود این قصه را چگونه می‌نوشت! قطعاً فردوسی این قصه را بر اساس نیاز روز آن دوران نوشته بوده و آنچه که جامعه از او می‌طلبیده و نیاز جامعه برای پیشرفت و پیشبرد جامعه بوده است. بخش دیگر نگاه دراماتیک من به عنوان یک نمایشنامه نویس بود که به این داستان افزوده شد. ما در شاهنامه می‌خوانیم که رستم بدون اینکه پسرش را بشناسد پهلوی او را با خنجر می‌زند و در نگاه سرکردگان و سرداران را دور می‌کند و در خلوت بر پیکر سهراب مویه و زاری می‌کند و این خلوت همان چیزی است که من به آن شک می‌کنم. آیا آنکه رستم بر پیکرش سوگواری می‌کند سهراب بوده! آیا اصلاً

نمایش «ورانام تهمینه سهراب کرد» به نویسندگی و کارگردانی حسین تفنگدار در حالی به اجراهای پایانی خود نزدیک می‌شود که مورد استقبال خوبی قرار گرفته است. این نمایش پیش از این هم در کشورهای هلند و آلمان با کادر بازیگری متفاوت اجرا شده است. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

یک مرد بوده یا یک زن جوان! ما می‌توانیم به جنسیت و هویتش شک کنیم، به هر آنچه که اتفاق افتاده و گفت‌وگوهایی که نقل شده، حال ما از خود می‌پرسیم که اگر یک قصه پرداز و یا مورخ این حادثه را نقل می‌کند چقدر می‌توانیم از آنچه در خلوت این دو کاراکتر گذشته مطمئن باشیم؟ در نهایت اما مهم‌ترین عاملی که باعث شد که من قصه را دگرگون کنم پاسخ به نیازهای امروز جامعه بوده و گمان می‌کنم اگر فردوسی هم امروز بود حتماً این قصه را به گونه‌ای دیگر روایت می‌کرد.

دو مسئله در اثر شما بسیار پررنگ است یکی تفکر انتقادی و نپذیرفتن روایت غالب و دیگری نقش و مسئله زن که در چندین بعد مادرانه، عاشقانه و نقش اجتماعی‌اش بررسی می‌شود و اهمیت زن را در داستان افزون می‌کند.

به نظرم به قدر کافی در تاریخ و ادبیات ما به مردان پرداخته شده است. شخصاً احساس می‌کنم که ما بدهکاریم یعنی این تاریخ مردانه و مرد نوشت را باید دوباره نگاهی بیندازیم. حضور مردان چه در تاریخ و چه در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، داستان‌ها و

